



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام
سال سوم (دوره جدید) / شماره دوازدهم / تابستان ۱۴۰۱



20.1001.1.26764830.1401.3.12.5.5

بینش و روش تاریخ‌نگاری قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المؤمنین

سید مسعود شاهمرادی^۱

(۹۴-۱۱۴)

چکیده

نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین به بیان تاریخ تشیع پرداخته است؛ اما روش تاریخ‌نگاری وی در این کتاب، مورد مذاقه جدی قرار نگرفته است. او در این کتاب ضمن بیان بینش و مبانی تاریخ‌نگاری خویش در قالب توصیف هدف و موضوع تاریخ‌نگاری و ضرورت توجه به مخاطب شناسی، از ضرورت بازبینی در روایات کتاب مجالس المؤمنین سخن می‌گوید. روش تاریخ‌نگاری شوشتری در این کتاب روش ترکیبی است که در مواردی با روش تحلیلی نیز، همراه شده است زیرا: او روایاتی را که با دیدگاه او همسانی داشت از طریق مقایسه و استدلال انتخاب می‌کند. شوشتری برای تدوین تاریخ از روش‌های گوناگون تدوین تاریخی استفاده کرده، به گونه‌ای که می‌توان شیوه تدوین و تنظیم کتاب مجالس المؤمنین را دانشنامه‌ای نامید. از آن جایی که مسأله این پژوهش بررسی بینش و روش تاریخ‌نگاری شوشتری در کتاب مجالس المؤمنین است، هدف پژوهش نشان دادن ابتکار شوشتری در نگارش تاریخ شیعه است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با کاربرد مطالعات کتابخانه‌ای است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد با وجود نقدهایی که به تاریخ‌نگاری شوشتری وارد است، می‌توان او را از بنیان‌گذاران پژوهش هدف‌مند در تاریخ تشیع محسوب نمود زیرا او درصدد دفاع از تشیع، در قالب تشریح اقدامات و فعالیت‌های شیعیان بود.

واژه‌های کلیدی: بینش تاریخ‌نگاری، روش تاریخ‌نگاری، نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، تاریخ تشیع.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران. M.shahmoradi@zums.ac.ir

مقدمه

مجالس المؤمنین یکی از مهم‌ترین آثار نورالله شوشتری، از عالمان شیعه قرن دهم و یازدهم هجری، است. این کتاب به زبان فارسی و شامل زندگی‌نامه بسیاری از ناموران امامیه از قرون نخستین اسلامی تا عصر مؤلف است. هدف شوشتری از تألیف این کتاب، دفاع از تشیع و شیعیان و بیان فعالیت‌های آنان بود. مجالس المؤمنین را می‌توان تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شیعیان محسوب نمود. از ویژگی‌های بینش تاریخی شوشتری تعریف موضوع تاریخ نگاری از سوی اوست. او در مجالس المؤمنین تعریفی از شیعه ارائه می‌دهد و سپس وارد بحثهای تخصصی خویش می‌گردد. همچنین در بینش تاریخنگاری شوشتری تاریخ برای فهم همگان روایت می‌شود و ضروری است روایات تاریخی توسط آیندگان مورد بازبینی و پایش قرار گیرد.

روش تاریخ نگاری شوشتری در مجالس المؤمنین اغلب بر مبنای «روش ترکیبی» است؛ بدین معنا که او روایات گوناگون را ملاحظه کرده و از طریق مقایسه، استدلال، ترکیب و ایجاد سازگاری میان آن روایات، آنچه را که به حقیقت مد نظر او نزدیک‌تر است، بر می‌گزیند تا هدف تاریخ نگاری او را برآورده سازد. او در کنار نقل روایات مورد نظر خویش به تحلیل، تبیین و بررسی آن روایات هم، می‌پردازد، بنابراین، نشانه‌هایی از روش تاریخ نگاری تحلیلی نیز، در مجالس المؤمنین دیده می‌شود. ناموران شیعه، محور اساسی مجالس المؤمنین هستند. شوشتری برای تدوین و تنظیم تاریخ خود از شیوه‌های گوناگون تدوین تاریخ از جمله تدوین تاریخ بر موضوع شهرها، انساب، دولت‌ها و طبقات سود جسته و ناموران شیعه را در قالب روش‌های فوق، معرفی کرده است.

شوشتری در تألیف مجالس المؤمنین از روش مبتکرانه‌ای استفاده کرده زیرا: کتاب او دارای تقسیم‌بندی‌های دقیق و منسجم، رویکرد کاملاً مشخص و تعریف شده و اطلاعاتی متنوع در حوزه تاریخ تشیع است. این نکته را می‌توان امتیاز مجالس المؤمنین محسوب نمود و با استناد به آن، شوشتری را از بنیان‌گذاران پژوهش روش مند در تاریخ تشیع به شمار آورد. با این حال، نقدهایی به شیوه پژوهش شوشتری نیز، وارد شده چنان که بعضی معتقدند شوشتری در این کتاب در نسبت دادن تشیع به برخی از افراد، افراط نموده است، هرچند برخی دیگر ضمن رد این اتهام، او را شیعه‌شناسی تیزبین دانسته‌اند که شمی قوی در شیعه‌شناسی داشته است.

۲. ادبیات موضوع

تاکنون در اثری مستقل و جامع تاریخ نگاری شوشتری در مجالس المؤمنین بررسی نشده است. تنها مورد قابل اشاره در این زمینه، نوشتار کوتاه رسول جعفریان با عنوان «مجالس المؤمنین اثری بدیع و مبتکرانه در تاریخ تشیع» است که او در آن، مجالس المؤمنین را اثری «ابتکاری و علمی»، «دایره المعارفی» و حتی «نخستین اثر در حوزه تاریخ تشیع به معنای امروزی آن» دانسته و نکاتی نظیر «اشاره به اقتباسات دزدانه از کتاب» و «دقت در تصحیح کتاب بر اساس نسخه‌های درست» را که شوشتری در خاتمه مجالس المؤمنین یادآوری کرده، از نقطه نظر تألیفی جالب دانسته است.

(<http://www.manuscripts.ir> مورخ ۱۱ دی ۱۳۹۵)

در برخی آثار دیگر، اشاراتی به تاریخ نگاری شوشتری در مجالس المؤمنین وجود دارد؛ به عنوان نمونه صفا در کتاب «تاریخ ادبیات در ایران» با دیدی نقادانه به مجالس المؤمنین پرداخته زیرا: از «بستن تشیع بر بسیاری از افراد» و «برعهده گرفتن زحمت اثبات تشیع برخی بزرگان» توسط شوشتری سخن به میان آورده و مثال‌هایی هم، در این زمینه، ذکر کرده است. با این حال، او در ادامه و در توصیف تألیف کتاب‌های رجال توسط شیعیان از مجالس المؤمنین نیز، نام برده و نوشته که این کتاب متضمن ذکر بسیاری از رجال شیعه در زمینه‌های گوناگون مذهبی، عرفانی، علمی و ادبی و کتابی بسیار پرارزش در نوع خود است. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۶۸؛ ج ۳: ۸۰۸ و ج ۵: ۴۱۷) در تحقیقاتی دیگر، به صورت مختصر از تاریخ نگاری شوشتری در مجالس المؤمنین یاد شده است؛ منزوی در مقاله «الذریعه و آقابزرگ تهرانی» به تقدیر آقابزرگ تهرانی از شوشتری در تألیف دائرة المعارف مجالس المؤمنین اشاره کرده و گفته او مبنی بر این که نورالله، فیلسوفی عالی مقام بوده و کسانی را که از نظریات فلسفی شیعه دفاع می‌کردند، شیعه می‌شمرد، نقل کرده است. (منزوی، ۱۳۸۲: ۱۲۲)

رسول جعفریان در مقاله «افق‌های تازه در تاریخ تشیع بر اساس کتاب معجم اعلام الشیعه محقق طباطبایی» ضمن اشاره به اتهام برخی به شوشتری در افراط در شیعه شمردن شخصیت‌های مختلف، می‌نویسد: «در اصل باید او را شیخ شیعه شناس نامید نه شیعه تراش» زیرا: نگاه تیزبین و دقت او، سبب شناسایی چهره‌های برجسته اما گمنام شیعه شده است. (جعفریان، ۱۳۷۷: ۱۲)

پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، بینش و روش تاریخ نگاری شوشتری در مجالس المؤمنین را بررسی نماید. هدف پژوهش، بیان

نوآوری‌های شوشتری در تاریخ نگاری تشیع است. ضرورت تحقیق نیز، از آن رو است که نورالله با تألیف مجالس المؤمنین از بنیان گذاران تحقیق هدف مند در تاریخ نگاری تشیع محسوب می‌شود.

۳. زیست‌نامه قاضی نورالله شوشتری

شوشتری در سال ۹۵۶ ق/ ۹۲۷ ش در شوشتر زاده شد. (حکیم، ۱۳۷۸: ۱۳) او تحصیلات خود را در شهر شوشتر شروع کرد و کتب اربعه، فقه، اصول و علم کلام را در نزد پدر خود، سید شریف الدین، خواند. (مرعشی نجفی، ۱۳۷۶: ۸۴) نورالله در سال ۹۷۹ ق/ ۹۵۰ ش رهسپار مشهد شد و در نزد علمای آن جا، از جمله عبدالواحد شوشتری، به تحصیل پرداخت. (حکیم، ۱۳۷۸: ۱۷)

نورالله در سرودن شعر عربی و فارسی دارای طبعی روان بود و در شعر به «نوری» تخلص می‌کرد و دیوان شعری نیز، از او باقی است. (حکیم، ۱۳۷۸: ۲۰؛ منزوی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۲۲۶۱؛ امینی، بی تا: ۳۵۷) نثر عربی و فارسی شوشتری هم، قوی توصیف شده است. (حکیم، ۱۳۷۸: ۲۱) تألیفات نورالله بیش از یک صد و چهل کتاب و رساله ذکر شده است. (مرعشی نجفی، ۱۳۷۶: ۸۹) از میان آثار که او تألیف کرده چهار کتاب «الصوارم المهرقه»، «مصائب النواصب»، «احقاق الحق» و مجالس المؤمنین شهرت بیشتری دارند. (حکیم، ۱۳۷۸: ۲۷)

«احقاق الحق فی نقص ابطال الباطل» در رد کتاب «ابطال النهج الباطل» تألیف فضل الله بن روزبهان نوشته شده (منزوی، ۱۳۸۲، ج ۹: ۷۶؛ صفا، ۱۳۷۸، ج ۴: ۵۴۰ و ج ۵: ۲۷۲؛ امینی، بی تا: ۳۵۲) و شامل یک دوره از اصول و معارف اعتقادی است. (حکیم، ۱۳۷۸: ۲۸) مجالس المؤمنین نیز، به زبان فارسی و مشتمل بر زندگی‌نامه‌ی برخی از بزرگان شیعه از روزگار گذشته تا عصر مؤلف است که طی سال‌های ۹۸۲ ق/ ۹۵۳ ش تا ۱۰۱۰ ق/ ۹۸۰ ش تألیف شده است. مقدمه این کتاب شامل تعریف شیعه و مجالس دوازده گانه آن در موضوعات اماكن و طوایف شیعی و بزرگان شیعه در عرصه‌های مختلف (صحابه، تابعین، متکلمان، محدثان، مفسران، فقیهان، قاریان، لغویان، صوفیان، پادشاهان، امیران، وزیران، کاتبان و شعرا شیعه مذهب) است. (منزوی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۲۲۶۱-۲۲۶۲؛ امینی، بی تا: ۳۵۳) سبک نگارش مجالس المؤمنین بسیار ساده و بی‌تکلف است. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۱۵۱)

نورالله در سال ۹۹۲ ق/ ۹۶۲ ش از مشهد به هند رفت؛ در این زمان، هند تحت استیلای گورکانیان بود. (حسینی عاملی قزوینی، ۱۳۸۳: ۳۰۵) اکبرشاه گورکانی (۹۶۳-۱۰۱۴ ق/ ۹۳۴-۹۸۴ ش) او را به سمت قاضی القضاة منصوب کرد (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۵۸) و بدین مناسبت، به «قاضی» شهرت یافت.

(حکیم، ۱۳۷۸: ۱۷) در سال ۱۰۱۹ ق/ ۹۸۹ ش جانشین و فرزند اکبر شاه، جهانگیر گورکانی (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق/ ۹۸۴-۱۰۰۶ ش) تحت تأثیر سخن چینی‌های مغرضان و بدگویی‌های علمای سنی دربار، فرمان قتل شوشتری را صادر نمود. (کشمیری، ۱۳۰۳: ۱۶-۱۴؛ هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۵۹-۱۵۸) شوشتری در کتاب‌های خویش از جمله مجالس المؤمنین و احقاق الحق، ناصیبان را مورد انتقاد شدید قرار داده و در باطل شمردن مذهب آنان کوشیده است. این گونه اعتقادات او در مورد اهل سنت، در نهایت منجر به صدور دستور قتل او شد. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۶۹ و ۲۷۲) نورالله لقب شهید ثالث یافته (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۵۹) و مزار او در اکبرآباد هند از زیارتگاه‌های معروف است. (امینی، بی تا: ۳۵۷-۳۵۵؛ حکیم، ۱۳۷۸: ۱۸؛ هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۵۹-۱۵۸) امینی معتقد است شاید نورالله از نخستین مبلغان بزرگی باشد که در هند به نشر تشیع برخاسته‌اند. (امینی، بی تا: ۳۵۲)

۴. بینش تاریخ نگاری شوشتری در مجالس المؤمنین

شوشتری بینش تاریخ نگاری خویش، نظیر «هدف» و «موضوع» تاریخ نگاری و برخی نکات دیگر، را در مجالس المؤمنین بیان کرده است.

۴.۱. **هدف تاریخ‌نگاری:** شاکله اصلی حیات شوشتری را دفاع از تشیع تشکیل می‌دهد. وی تمامی کارهای علمی خود را به شناساندن فرهنگ و عقاید و تاریخ شیعه و دفاع از آن اختصاص داد. هدف نورالله از نگارش تاریخ شیعه در مجالس المؤمنین دقیقاً در همین مسیر، یعنی بهره برداری کلام گرایانه از تاریخ نگاری برای دفاع از تشیع، قابل تفسیر است زیرا: هدف او از بیان تاریخ در مجالس المؤمنین دفاع از تشیع و شیعیان و بیان اقدامات و فعالیت‌های آنان بوده است. شوشتری پس از مشاهده طعنه گروهی از مخالفان تشیع که معتقد بودند، مذهب شیعه با ظهور دولت صفویه و با اجبار آنان پدید آمده، اقدام به تألیف مجالس المؤمنین نمود. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۷۰۰) بنابراین، او در راستای آرمان اصلی خود که دفاع از مذهب تشیع و شیعیان بود، درصدد برآمد با تألیف این کتاب، پاسخ شبهات مخالفان تشیع در این مورد را داده و ثابت نماید شیعه تاریخی بس طولانی دارد به گونه‌ای که شیعیان در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، دوران‌های پیشین حضوری درخور توجه داشته‌اند.

شوشتری در مقدمه کتاب خویش نیز، اشاره می‌کند که در دوران پیش از صفویه شیعیان تقیه می‌کردند، بنابراین، عالمان شیعه نه تنها نظیر علمای دیگر مذاهب قادر به تألیف آثاری در معرفی مذهب خود نبوده‌اند، بلکه به سبب حاکمیت مخالفان تشیع همواره در حال اختفا و فرار بودند و یا این که خود را

سنی معرفی می‌نمودند و اگر آثاری هم از روی اضطرار در دانش حدیث نگاشته‌اند برای اجتناب از آشکار شدن احوال شیعیان بر بیگانگان، این امر را به اختصار انجام داده‌اند. این حال، بیشتر این آثار یا توسط «دشمنان معاند» نابود شده و یا این که از ترس ظلم آنان در زوایای خانه‌ها پنهان گشته است. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۳) نورالله می‌نویسد: اکنون که ظهور دولت صفوی «پشت متابعان طریق موسوی مرتضوی را قوی ساخته» و بنابراین، دیگر نیازی به تقیه از دشمنان و مخالفان تشیع نیست، به ذکر زندگانی برخی از مشاهیر شیعه اهتمام نموده است. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۴)

نورالله، تاریخ نگاری خویش را تا بدان جا در خدمت مذهب تشیع می‌دانست که صریحاً هشدار می‌داد، مجالس المؤمنین از مخالفان و دیگر نااهلان مخفی نگه داشته شود تا مبدا آنان از این طریق بر احوال نواحی شیعه نشین و اقوام آنان آگاهی یافته و آزاری را متوجه شیعیان یا مزار گذشتگان آنان کنند، (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۷۰۰) در نتیجه، می‌توان گفت: او صیانت از باورهای اعتقادی شوشتری را به تاریخ نگاری در چارچوب باورهای کلامی و اعتقادی‌اش کشانده است.

۲.۴. موضوع تاریخ نگاری: یکی از برجستگی‌های بینش تاریخی شوشتری «تعریف موضوع» از سوی او در ابتدای مجالس المؤمنین است. او معتقد است منظور از شیعه فردی است که خلیفه راستین بعد از رسول خدا (ص) را امام علی (ع) می‌داند و سنی هم فردی است که این شخص را ابوبکر تلقی می‌کند. شیعیان دوازده امامی نیز، گروهی هستند که به دوازده امام معتقدند و می‌گویند عالم همی چگاه از لطف وجود حجت‌های خداوند که وصی انبیاء هستند، خالی نمی‌گردد. ائمه اطهار (ع) همچنین حافظ کتاب و سنت هستند و مردمان را در طریق الهی هدایت می‌کنند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۰) او سپس برای تکمیل مباحث خویش در این زمینه، مباحثی نظیر «وجوب وجود حجت‌های الهی در هر زمان»، «وجوب عصمت امام» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۰)، «انحصار ائمه در امامیه اثنی عشریه» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۱) و «مهدویت» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۶) را نیز، مطرح می‌کند.

۳.۴. تألیف کتاب برای فهم عامه مردم: در بینش تاریخ نگاری شوشتری روایات تاریخی به گونه‌ای نقل می‌شود که عامه مردمان قادر به درک و فهم آن باشند. او می‌نویسد: منظور از نگارش مجالس المؤمنین نه اظهار فضل و فصاحت گفتار بلکه تقرب به خدا و رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) و «تقریب معانی آن به فهم سایر مستحقان روزگار است». (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۶۹۹)

۴.۴. لزوم پایش و بازبینی در گزارش‌ها: در بینش تاریخ نگاری شوشتری جریان تألیف کتاب با انتشار آن پایان نمی‌یابد بلکه بایست در دوران‌های پسین نیز، روایات مجالس المؤمنین مورد بازبینی و پایش

قرار گیرد. نورالله توصیه می‌کند: مجالس المؤمنین بر اساس یافته‌های دیگر منابع که او به آن‌ها دسترسی نداشته است، تصحیح و تکمیل گردد. او همچنین می‌نویسد: چه بسا برخی از مطالب کتاب او نادرست و یا بر مبنای گمان باشد، بنابراین، اگر در این موارد، گزارش‌های صحیح‌تر کسب شد، کتاب او بر این مبنای تصحیح شود. شوشتری با توجه به تجربیات پیشین خود به خوبی آگاه بود که ممکن است در نسخه برداری از مجالس المؤمنین اشتباهاتی نظیر آنچه در نسخه برداری دیگر کتب تاریخی روی می‌دهد، پیش آید و بدین گونه از ارزش و اهمیت کتاب او کاسته شود، بنابراین می‌گوید: بعد از پایان هفت نسخه از این کتاب و مقابله آن با اصل پیش نویس کتاب نسبت به انتشار عمومی آن، اقدام کرده و آرزومند است که دیگران نیز، آن نسخ را معیار قرار دهند تا نظیر بیشتر کتب تاریخی در گذر ایام، نسخ نادرست، انتشار نیابد. یکی دیگر از دغدغه‌های شوشتری که نسبت به آن هشدار می‌دهد: اقتباسات یا سرقت ادبی از مجالس المؤمنین^۱ و لزوم اجتناب از این امر است. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۶۹۹ و ۷۰۰)

۵. روش تاریخ نگاری شوشتری در مجالس المؤمنین

روش‌های تاریخ نگاری شامل سه دسته «روش روایی»، «روش ترکیبی» و «روش تحلیلی» هستند. روش روایی شامل ذکر روایات مختلف درباره حوادث و اخبار تاریخی با درج سلسله اسناد به طور کامل یا ناقص یا بدون آن است. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۶: ۳۷) مراد از روش ترکیبی در تاریخ نگاری آن است که تاریخ نگار روایت‌های مختلف و اسانید یک رویداد را ذکر نمی‌کند، بلکه به جای آن، روایت‌های گوناگون را مقایسه و ترکیب نموده و میان آن‌ها سازگاری ایجاد می‌کند و بدین گونه رویداد مذکور را طی یک روایت شرح می‌دهد. در این مرحله، کار مورخ برگزیدن روایات از طریق مقایسه و استدلال برای بازآفرینی گذشته است. در این روش، مورخ باید آنچه را با دیدگاه خود مناسب می‌بیند، از میان واقعیت‌های تاریخی پیوسته برگزیند، یعنی اجزائی از یک پیکر واحد را که همانا «تاریخ» است، جدا گرداند و درباره آن، بحث کند. چنین مورخی نه تنها بایست بر مسائل تاریخی تسلط داشته و مرزهای دقیق موضوع پژوهش و هدف کلی خویش را مشخص نماید، بلکه بایست سعی کند تا به یاری همان تسلط و توانایی تاریخ نگری خویش، آن چیزی را که به واقعیت و حقیقت نزدیک‌تر است انتخاب

۱. جعفریان در نوشتاری نوشته است: «این نکته و همچنین دقت نظر شوشتری در تصحیح کتاب بر اساس نسخه‌های درست و ممانعت از رسوخ کلمات غلط و ناصواب در آن، نکات فوق العاده ای هستند که کمتر مؤلفی در آن روزگار با این دقت و تفصیل به آن‌ها توجه دارد.» (http://www.manuscripts.ir/ مورخ ۱۱ دی ۱۳۹۵)

نماید. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۶: ۴۳) در روش تحلیلی هم، تاریخ نگار به همراه نقل گزارش‌های اغلب ترکیبی، به تبیین و بررسی و تحلیل اسباب و نتایج آن اهتمام می‌ورزد. شاید بتوان از بعضی جهات، مثلاً مقایسه، برگزیدن، جمع و نگارش روایت‌ها و ارائه روایتی منسجم و پیوسته درباره یک رویداد، تاریخ‌های ترکیبی و تحلیلی را دارای ویژگی‌های مشترک دانست. به همین سبب، در بسیاری از تاریخ‌های ترکیبی، علائمی از تحلیل و ارزیابی وقایع مشاهده می‌شود. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۶: ۴۵)

روش تاریخ نگاری شوشتری در مجالس المؤمنین روش ترکیبی است که در مواردی با روش تحلیلی همراه شده است. در روش ترکیبی تاریخ نگاری، مورخ، که چارچوب دقیق موضوع تحقیق و هدف کلی خود را تعیین نموده، روایاتی را که متناسب با دیدگاه اوست از طریق مقایسه و استدلال انتخاب می‌کند تا گذشته مورد نظرش که از دیدگاه او گذشته حقیقی است، را بازآفرینی نماید. شوشتری به همین سبب، موضوع و هدف تاریخ نگاری خویش در مجالس المؤمنین را دقیقاً مشخص می‌سازد تا حقیقت مورد نظر خویش را برای مخاطب آشکار سازد. شوشتری در مقدمه کتاب خویش در بخشی تحت عنوان «فاتحه در تحقیق تعریف مطلق شیعه و شیعه امامیه اثنی عشر» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۵) تعریفی از اساسی‌ترین موضوع تاریخ نگاری خود، یعنی تشیع، را ارائه می‌کند. او هدف خود از تألیف کتاب را نیز، «ذکر احوال بعضی از مشاهیر شیعه» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۴) یا به طور دقیق‌تر «اطلاع بر احوال اکابر قدام و متأخرین فرقه ناجیه» بیان می‌کند تا بدین گونه حقیقت مدنظر خود یعنی «بیان قدم این طایفه رفیع جناب [شیعیان] و عدم ارتکاب تشیع به طریق اجبار» و «دفع وهم تجدد و عدم تقدم مذهب ایشان [شیعیان]» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۷۰۰) را برای خواننده آشکار سازد. شوشتری در این مسیر، روایات مختلف و متنوعی را از منابع گوناگون تاریخی برگزیده و به سبب خصلت کار خویش از شیوه‌های گوناگون تدوین تاریخ سود جسته است. تاریخ نگاری او در برخی موارد، شامل تحلیل‌هایی در مورد تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شیعیان در دوران پیش از صفویه است. این امر علاوه بر این که از جنبه‌ای نقطه قوت کار او به شمار می‌آید، از بعدی دیگر، نقطه مورد انتقاد کتاب او نیز، محسوب شده زیرا عده‌ای معتقدند: شوشتری به سبب تعلق خاطر خویش به تشیع، در تحلیل‌های خود در مورد شیعه شمردن برخی از افراد، افراط نموده است.

۶. شیوه‌های تدوین تاریخ در مجالس المؤمنین

شوشتری در مجالس المؤمنین در پی بیان تاریخ شیعه با رویکردی مدافعانه است، به همین سبب، برخی این کتاب را در زمره «تواریخ دینی» به شمار آورده‌اند. صفا می‌نویسد «تواریخ دینی» بینابین کتاب‌های تاریخ و کتاب‌های تراجم رجال (تذکره‌ها) هستند و در آن‌ها به بیان سیره پیامبر (ص) و یاران او، و اگر مؤلف این گونه کتب از شیعیان باشد، به ذکر سرگذشت امام علی (ع) و جانشینان او و رویدادهای روزگارشان نیز، پرداخته می‌شود. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۵۷۸) او از جمله کتب مشهور در زمینه «تواریخ دینی» را مجالس المؤمنین شوشتری ذکر نموده و از «ارزش اعلائی» این کتاب سخن به میان می‌آورد (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۵۷۹) و می‌نویسد: از این کتاب، به سبب اشتغال بر شرح حال شاعران بزرگی که از میان شیعیان برخاستند، یا قاضی نسبت تشیع را بدانان نسبت داد، اغلب در شمار تذکره‌های معتبر شاعران نام برده می‌شود. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۵۸۰) با این حال، بایست گفت شوشتری شیوه‌ای از تدوین تاریخ را در تألیف مجالس المؤمنین به کار برده که فراتر از توصیفات فوق است و می‌توان آن را «تاریخ نگاری دانشنامه‌ای» نامید زیرا: او در تألیف مجالس المؤمنین انواع گوناگون تدوین تاریخی از جمله تدوین تاریخ بر موضوعات بلاد، انساب، دُول، و بویژه تدوین تاریخی بر حسب طبقات را به کار برده است که مجموعه آن‌ها خواننده را با فرهنگ و تاریخ شیعه آشنا می‌کند.

مواد تاریخی را می‌توان با استفاده از مؤلفه‌های موضوع، زمان و مکان تدوین و تنظیم نمود. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۶: ۷۱) در نظام نگارش و تدوین بر محور موضوعات، قوام تدوین اشخاص‌اند. این اشخاص یا به اعتبار خود و یا به اعتبار نقشی که در تاریخ ایفاء کرده‌اند، در طبقات، انساب، فتوح، رحلات (سفرنامه نگاری‌ها)، دُول و خاندان‌ها و بلاد (شهرها) طرح می‌شوند و با بر محور آن‌ها و فِیات رجال (درگذشت نامه‌ها) و مُعجم رجال (زندگی نامه‌ها) تدوین می‌شود. به عبارت دیگر، نظام تاریخ نگاری موضوعی بر بنیاد محورهای بیان شده تدوین می‌گردند. (آئینه وند، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۷۵) با توجه به این که مجالس المؤمنین شامل احوال رجال شیعه در زمینه‌های گوناگون است و بنابراین، تألیفی با محوریت اشخاص به شمار می‌رود، شوشتری با استفاده از نظام تدوین تاریخ نگاری موضوعی و محورهای گوناگون آن، اثری دانشنامه‌ای و دائرة المعارف گونه در حوزه تاریخ تشیع، تألیف نموده است.

۱.۶. تدوین تاریخ بر موضوع بلاد: شوشتری در مجلس اول مجالس المؤمنین تاریخ تشیع را بر محور

بلاد و شهرها بیان می‌کند. او در این بخش، به توصیف اماکن و شهرها و نواحی نظیر العرش المجید، دارالسلام، اعراف، مدینه طیبه، غدیرخم، فدک، کوفه، حله، نجف، کربلا، دمشق، قاهره، حلب،

حمص، موصل، کرخ بغداد، حویزه، جزایر خوزستان، شوشتر، بحرین، جبل عامل، همدان، تبریز، قم، کاشان، آبه، شیراز، ری، ورامین، طالقان، قزوین، جیلان، دیلمان، طبرستان، آمل، ساری، ارم، جرجان، رست مدار، تون، سبزوار، نیشابور، مشهد، سیستان، کشمیر و تبت پرداخته است.

تاریخ‌های بلاد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: تاریخ‌هایی که به بیان خطط شهر و امور سیاسی پرداخته و زندگی رجال و عالمان را از نظر دور داشته است و نوعی از تاریخ نگاری شهری که بر شیوه محدثان تدوین شده و در آن به زندگی عالمان شهر بر حسب حروف معاجم و یا بر اساس طبقه، پرداخته می‌شود. (آئینه وند، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۸۵) شیوه شوشتری در مجالس المؤمنین بیشتر بر مبنای دسته اول از تواریخ شهرها است، یعنی بیان خطط شهرها و امور سیاسی اما جغرافیای تاریخی تشیع، پراکندگی جغرافیایی شیعیان و همچنین در مواردی زندگی رجال شیعه در شهرهای مختلف نیز، مورد توجه او بوده است. گزارش‌های مربوط به این حیطه از مجالس المؤمنین به مواردی چند، قابل تقسیم است که در ادامه بیان خواهد شد.

۱.۱.۶. اماکن و مناطق مهم در عقاید شیعه: شوشتری در ابتدای این مجلس از کتاب اطلاعاتی در مورد غدیر خم و فدک ارائه می‌دهد که در باورهای شیعه از جایگاهی ممتاز، برخوردار هستند. در مورد غدیر خم از موقعیت جغرافیایی و واقعه مشهور رخ داده در آن مکان، سخن می‌گوید (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۳۷-۴۸) و در مورد فدک ضمن بیان موقعیت جغرافیایی آن در حجاز و در کنار شهر مدینه، می‌نویسد: قریه فدک دارای چشمه و درختان خرما بسیار بود که به طریق مصالحه توسط پیامبر (ص) گشوده شد و آن حضرت، آن را به حضرت فاطمه (س) بخشید اما خلیفه اول آن را پس گرفت. شوشتری معتقد است: «غرض ابوبکر و عمر از بازگرفتن فدک آن بود که اهل بیت رسالت درویش شوند تا مردم گرد ایشان نگردند و جمعیت ایشان پریشان و از هم پاشیده گردد.» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۴۹-۴۸) او می‌نویسد: در روزگار عمر بن عبدالعزیز اموی، فدک به اولاد فاطمه زهرا (س) پس داده شد (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۵۰) و برخی از خلفای عباسی نیز فدک را به اولاد فاطمه زهرا (س) واگذار و برخی دیگر آن را بازپس می‌گرفتند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۵۱)

شوشتری از شهرهای مهم در تاریخ تشیع نیز یاد می‌کند. او از کوفه با عنوان «امهات بلاد اسلام» یاد می‌کند و می‌نویسد: هنگامی که خلافت به عباسیان رسید، مردمان این شهر به سبب تشیع خویش راضی به خلافت آنان نبودند تا بدان جا که در دوران منصور عباسی که کوفه پایتخت آنان گشته بود، کوفیان درصدد برانگیختن سپاهیان بر علیه او بودند، بنابراین، او به ناچار از کوفه خارج گشته و شهر

بغداد را بنا نمود و آن جا را پایتخت ساخت. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۵۵) او سپس از امام صادق (ع) نقل می‌کند که در هیچ یک از بلاد به اندازه کوفه دوست دار اهل بیت (ع) وجود ندارد. شوشتری می‌نویسد: «تشیع اهل کوفه حاجت به اقامه دلیل ندارد و سنی بودن کوفی الاصل، خلاف اصل محتاج به دلیل است.» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۵۶)

او در مورد شهر نجف هم، گزارش می‌دهد که این شهر همواره جایگاه برگزیدگان و بزرگان شیعه بوده و هست و مردمان آن جا همگی شیعه امامی هستند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۵۷) شوشتری در مورد شهر کربلا گزارش می‌دهد: «الحال مشهد کربلا از اعظم امصار و مجمع اخبار هر دیار گشته» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۵۸)

۶. ۱. ۲. **موقعیت جغرافیایی مناطق شیعه نشین:** شوشتری در روایات خود از تاریخ بلاد، اطلاعاتی از موقعیت جغرافیایی مناطق شیعه نشین ارائه می‌دهد؛ به عنوان نمونه در توصیف «جزیره بحر اخضر^۱ و بحر ابیض^۲» می‌گوید این سرزمین جزیره‌ای در دیار بربر و در میان دریای اندلس است که امام زمان (عج) و فرزندان و یاران ایشان در آن جا هستند. او می‌نویسد: در نواحی ساحلی آن سرزمین، منطقه‌ای جزیره‌ای شکل وجود دارد که مردمان اندلس آن را جزیره رفضه می‌خوانند زیرا: ساکنان آن ناحیه همگی شیعه امامی هستند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۷۸)

از دیگر گزارش‌های او در این زمینه، بایست به روایات او از سرزمین «تبت» اشاره نمود. بر اساس گفته‌های او، تبت سرزمینی در نزدیکی کشمیر است که توسط میرعلی نامی گشوده شده و مردمان آنجا از عصر او مسلمان گشته و همه آنان شیعیان امامی مذهب با اخلاص هستند. آنان تا بدان پایه در تشیع خویش تعصب دارند که اگر فردی از اهل سنت کشمیر به آن جا برود از او جزیه اخذ می‌کنند. او سپس می‌نویسد: این مردمان با وجود آن که در جوار سلطان هند واقع هستند اما به نام شاه صفویه خطبه می‌خوانند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۱۸)

۶. ۱. ۳. **تعداد و میزان نفوذ شیعیان در مناطق مختلف:** شوشتری در برخی گزارش‌های خود از تعداد و میزان نفوذ شیعیان در مناطق مختلف نیز سخن می‌گوید، مثلاً در توصیف شهر مدینه می‌نویسد: آشکار است که اهالی اصیل مدینه، از سادات و غیر آنان، همواره بر مذهب امامیه بوده‌اند. (شوشتری، ۱۳۵۴،

۱. درباره موقعیت این دریا نظرات گوناگونی ابراز شده و از جمله برخی گفته‌اند دریایی که بر کنار طنجه و اندلس قرار دارد، بحر اخضر است. (لاهوئی، بی تا، ج ۱۱: ۳۹۵-۳۹۴)

۲. دریای مدیترانه

ج ۱: ۳۵) در مورد شوشتر نیز می‌نویسد: اهالی آن جا همگی امامیه‌اند و «غیرت فزای با اهل قم و کاشان» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۷۱) او در مورد دیلمان نوشته است: این منطقه از مضافات گیلان است و «اهالی آن جا از مبدأ دخول در اسلام تا الحال مذهب امامیه دارند.» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۹۷)

۶. ۱. ۴. محلات شیعی: از دیگر روایات شوشتری گزارش‌های او از محلات شیعی در شهرهای گوناگون است. او در توصیف شهر دمشق ضمن رد ناصبی بودن تمامی مردمان دمشق می‌گوید: آشکار است که تمام ساکنان محله خراب از شیعیان معتقد هستند تا بدان جا که شیعیان عراق در مسیر سفر حج و در گذر از شام در آن محله، نزول می‌کنند و مردمان آن جا نیز، این امر را دلیل شیعه بودن آنان می‌دانند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۶۱)

در مورد محله کرخ بغداد گفته است: اهل کرخ همگی شیعه امامی هستند و در میان آن‌ها هیچ سنی مذهبی زندگی نمی‌کند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۶۶) شوشتری در گزارش خود از کشمیر نیز، خبر می‌دهد ساکنان محله رذبیل همگی شیعه‌اند و اهالی قصبه شهاب الدین پور «همگی شیعه فدایی‌اند.» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۱۸)

۶. ۱. ۵. مزارات شیعی: شوشتری در مورد مزارات شیعی توصیفات ارزشمندی دارد؛ به عنوان نمونه او در مورد حمص شهری در شام، روایت می‌کند که در آن جا مکانی با عنوان مشهد امیرالمؤمنین علی (ع) وجود دارد که برخی از صالحان در آن جا، خواب ایشان را دیده‌اند. در آن مکان عمودی وجود دارد که در آن، نقش انگشت امام علی (ع) مشاهده می‌شود و همچنین مزار قبر غلام امام علی (ع) و فرزندان جعفر بن ابیطالب در همان مکان است. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۶۴)

۶. ۱. ۶. رسوم اجتماعی: از دیگر گزارش‌های شوشتری در مورد نواحی شیعه نشین، برخی روایات او از رسوم اجتماعی شیعیان است. او گزارشی از مراسم روز بیست و ششم ذی حجه در کاشان ارائه می‌دهد. به اعتقاد وی، اهل کاشان می‌پندارند که ابولؤلؤ، قاتل عمر بن خطاب، به کاشان گریخته و اهالی کاشان به او پناه داده‌اند تا در آن جا وفات یافته و مزاری برای او در کاشان ترتیب داده‌اند. مردم کاشان به ابولؤلؤ لقب «بابا شجاع الدین» داده‌اند، او سپس، روایتی از مراسم روز بیست و ششم ذی حجه در کاشان ارائه می‌کند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۸۸-۸۷)

شوشتری در مورد جبل عامل نوشته است: اهالی آن جا بر مذهب امامیه‌اند و سپس با دیدی منتقدانه می‌گوید: از جمله تعصبات عوام شیعه این منطقه آن بوده «که اگر به ایشان می‌گفتند که ابوبکر در جراب

یا در کوزه آب شما است آن را البته می‌ریختند و خاک بیزاری بر سر آن می‌بیختند.» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۷۸)

۶. ۱. ۷. گزارش‌هایی از سادات: اغلب در قرون گذشته علویان به دارا بودن مذهب تشیع اشتها داشته‌اند. در بین عالمان شیعه امامی این تلقی وجود داشته که علویان اکثراً شیعه مذهب بوده‌اند. (جعفریان، ۱۳۸۸: ۷۹؛ عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۲۶) شوشتری در بیان جغرافیای تاریخی تشیع از سادات برخی نواحی اطلاعاتی ارائه می‌دهد؛ به عنوان مثال در توصیف شهر ورامین می‌نویسد: «از اعیان متأخرین سادات ایشان، سید فاضل محبوب القلوب قاضی محمد است که به مصاحبت و ندیمی پادشاه صاحب قران مغفور شرف اختصاص و امتیاز داشت و در بدیهه گویی و حاضر جوابی نظیر خود نداشت.» (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۹۵-۹۴) در مورد کشمیر نیز، می‌نویسد: از دورانی که سید محمد نامی در آن ناحیه اقامت گزیده، برخی از مردمان آن جا به مذهب تشیع گرویده‌اند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۱۸)

بررسی روایات شوشتری در مورد تاریخ بلاد نمایان گر این نکته است که تشیع همپای سایر نحله‌های مذهبی در مناطق مختلف جهان اسلام، و به ویژه ایران، نفوذ و گسترش داشته که این امر در برخی نواحی چشمگیرتر بوده است. می‌توان با دقت در گزارش‌های نورالله در این زمینه، پراکندگی جغرافیایی شیعیان را در جهان اسلام و به خصوص ایران، در دوران مورد مطالعه را ترسیم نمود. اهتمام شوشتری به توصیف اماکن و مناطق مهم در عقاید شیعه، نظیر فدک و غدیر خم، رنگ عاطفی نیز، دارد زیرا: درصدد بیان مظلومیت بزرگان شیعه است. همچنین توجه شوشتری به مزارات شیعی هم نشان گر توجه او به یکی از ارکان مهم فرهنگ شیعی به شمار می‌رود.

۶. ۲. تاریخ نگاری تبار یا نسب شناسانه: نسب شناسی، که «شاخه‌ای از دانش جامع تاریخ» نیز معرفی شده، علم شناخت تبار و دوده‌ها است. (آئینه وند، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۰۴) کثرت آثار نسب شناسی در عصر اسلامی حاکی از اهمیت و رواج آن است. در این عصر، آنچه ارتباط انساب به تاریخ را آسان‌تر کرد آن بود که اعضای برجسته خاندان‌ها و قبایل، اینک رهبری سیاسی را در دست داشتند و ضبط و تدوین اخبار و انساب آنان در واقع نوعی تاریخ نگاری بود. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۶: ۸۰) به عبارت دیگر، دانش انساب به صورت نسب شناسی صرف باقی نماند و به سرعت بر بار تاریخی آن افزوده شد و به صورت برادر ناتنی تاریخ درآمد. برای شناخت تاریخ تحولات مختلف جامعه اسلامی، که در ضمن

جامعه قبیله‌ای نیز، بود، دانش تبار شناسی یک ضرورت بوده و هست؛ زیرا: اهمیت نسب در جامعه اسلامی سبب پیوند مسئله انساب و قبایل با جریان‌های تاریخی شد. (جعفریان، ۱۳۹۳: ۲۸)

تدوین تاریخ بر موضوع انساب، یکی دیگر از محورهایی است که نظام تاریخ نگاری موضوعی بر بنیاد آن تدوین می‌گردد. (آئینه‌وند، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۷۵ و ۱۷۸-۱۷۹) نورالله در مجلس دوم مجالس المؤمنین با استفاده از این روش به بیان تاریخ تشیع در جهان اسلام پرداخته و از طوایف اُوس، خَزَج، بنو حَنیف، هَمدان، شَبام، مَذحِج، رَبِیعَه، مُصَرّ، اَزَد، وایل، خُزَاعَه، طَی، الضمیریه، النادریه، عقیرویه، بنی شکر، مزرعیه، مُعْتزلیه، بنی کُمونه، بنی مُختار، موسویه، رَضویه، بُخاریه، انجویه، مَرعشیه، عقیلی، دیلمیه، کرجیه، بوهره، صدیقیه، هَزَازَه کابل و بلوچ سند سخن به میان آورده و روایاتی از رواج تشیع در بین این قبایل و طوایف ذکر نموده است.

قاضی در مورد «شَبام» که طایفه‌ای از قبیله هَمدان بودند، می‌نویسد: شَبام نام شهری در یمن هست که اهالی آن، همگی از غلات شیعه‌اند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۳۱) از دیگر نمونه‌های تاریخ نگاری نسب شناسانه شوشتری روایات او از «هَزَازَه کابل» و «بلوچ سند» است. او در مورد هزاره‌های کابل می‌نویسد: آنان قومی با جمعیت فراوان در کابل و غزنین و قندهار هستند که بیشترشان شیعه‌اند. در زمان شوشتری، ریاست این طایفه با میرزا شادمان نامی بوده است. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۵۲) در مورد اقوام بلوچ سند از این نکته سخن به میان می‌آورد که بیشتر آنان از شیعیان متعصب هستند که از خود و سایر شیعیان با عنوان «علی دوست» یاد می‌کنند. شوشتری از سید راجوی بخاری به عنوان کسی که در هدایت آنان اهتمام بسیار نموده، یاد می‌کند و می‌نویسد: در زمان تألیف کتاب فرزندان بخاری در میان آنان هستند و به اصلاح آنان مشغولند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۵۲)

یکی از جنبه‌های مهم تاریخ نگاری نسب شناسانه نورالله اشارات او به برخی از طوایف سادات و نقش آنان در تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. او در توصیف طایفه «بنی مختار» می‌نویسد: آنان ساداتی هستند که نسبشان به بوعلی المختار النقیب امیرالحاج می‌رسد و نقابت مشهد امام علی (ع) و امارت حج مدتی با این سادات بوده است. شمس الدین ابوالقاسم علی، آخرین نقیب النقبای عراق و خراسان در دوران عباسی از این خاندان بوده است. شمس الدین علی ثانی از دیگر اعضای این طایفه نیز، در زمان سلطنت شاهرخ میرزا از نجف به سبزوار آمده و در آن جا متوطن شده است. قاضی افراد دیگری از این خاندان را معرفی می‌کند از جمله میرشرف الدین علی که در زمان سلطان حسین میرزا نقیب النقباء بلخ و نواحی اطراف آن بوده و اولاد او در زمان قاضی در هند حضور داشته‌اند.

(شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۴۵) شوشتری در توصیف «بخاریه» آورده است: آنان طایفه‌ای بزرگ از سادات هستند که در نواحی هند نظیر ملتان، لاهور و دهلی و ... ساکن هستند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۴۶) در مورد «انجویه» هم می‌گوید: آنان از بزرگان سادات در شیراز هستند که قدمت پذیرش تشیع در میان آنان بیش از دیگران است. نسب آنان به قاسم الرسی بن حسن بن ابراهیم طباطبائی حسنی می‌رسد. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۴۷)

شوشتری با ثبت احوال و تراجم طوایف و اشخاص شیعه مذهب در قالب تاریخ نگاری نسب شناسانه اولاً در پی بیان بینش شیعی این طوایف و افراد و سپس معرفی نقش و جایگاه شیعیان در تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دوران‌های مختلف بوده است.

۶. ۳. تاریخ نگاری بر حسب طبقات یا طبقات نگاری: طبقه به معنی «نسل» است؛ معادل این اصطلاح در عصر ما «دوره» است. (آئینه وند، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۷۶، ۳۲۱-۳۲۲) یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تاریخ نگاری به معنای عام طبقات نویسی است که از ابتدای قرن سوم هجری شروع گشته است. طبقات نویسی شامل سه عنصر موضوع و زمان و مکان و یا دو مورد از آن‌ها است. این عناصر، اهل هر طبقه را به یکدیگر پیوند می‌دهند. با این حال، عنصر غالب، موضوع آن است؛ در این حالت، نگارش طبقه بر مبنای موضوع همسان و مشترک میان اعضای طبقات انجام می‌شود. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۶: ۷۶-۷۷) اخبار تاریخی موجود در طبقات نویسی و روایت‌هایی که در ذیل احوال رجال هر طبقه ذکر می‌گردد، سبب شده که طبقات نویسی گونه‌ای از تاریخ نگاری به شمار آید و در واقع، هیچ مورخی خاصه در پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی از آثار مشتمل بر طبقات نگاری بی نیاز نیست. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۶: ۷۹)

شوشتری در بخش اعظمی از مجالس المؤمنین تاریخ تشیع را در قالب طبقات نویسی بیان کرده که می‌توان آن‌ها را به موارد زیر تقسیم نمود: بزرگان شیعه از اصحاب رسول خدا (ص)، تابعین، تبع تابعین، صوفیه، حکماء و متکلمان، امراء و وزراء و شعراء. بدین گونه شوشتری در مجالس المؤمنین به معرفی مختصر و یا مفصل صدها تن از شخصیت‌های شیعه مذهب در عرصه‌های مختلف دینی، فرهنگی، علمی و سیاسی پرداخته و جنبه‌های مختلف حیات آنان و روزگارشان را توصیف نموده است. اهمیت این بخش‌ها، از مجالس المؤمنین تا بدان جا است که برخی از محققان در توصیف تألیف کتاب‌های رجال در میان شیعیان دوازده امامی تا میانه سده دوازدهم هجری، از مجالس المؤمنین نیز نام برده و نوشته‌اند که این کتاب متضمن ذکر بسیاری از رجال شیعه در زمینه‌های گوناگون مذهبی، عرفانی، علمی

و ادبی و کتابی بسیار پر ارزش در نوع خود است. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۱۷) به علاوه گفته شده مجالس المؤمنین به سبب اشتغال بر ترجمه حال گروه بزرگی از دانشمندان و شاعران می تواند در شمار تذکرها (کتابی که در شرح احوال شعراء و علماء نوشته شده اند.) نیز مذکور گردد. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۵۹۳)

شوشتری در تدوین طبقات نخبگان شیعه متوجه ویژگی مشترکی بوده که این افراد را به هم مرتبط می کرده که همان مذهب تشیع است. او این افراد دارای ویژگی مشترک را در قالب موضوعاتی چند (اصحاب و تابعین پیامبر (ص)، متکلمین، مفسرین، محدثین، فقهاء، قراء، نحاه، لغویین، صوفیان، امراء، وزراء و شعراء) طبقه بندی نموده است. دوره زمانی مدنظر شوشتری در بیان طبقات مختلف نیز از صدر اسلام تا دوران صفویه را شامل می شود.

۴.۶. **تدوین تاریخ بر موضوع دُول و دودمان ها:** تاریخ نگاری دودمانی شیوه ای از تاریخ نگاری است که در آن، مورخ به ذکر تاریخ ظهور و فعالیت های سیاسی و نظامی دودمان یا حاکمی خاص و نیز، وقایعی که در عهد آنان در مناطق تحت سلطه ایشان روی داده، اقدام می کند. در این روش، ترتیب و توالی زمانی از هنگام پیدایش دودمان یا حاکمی خاص مورد توجه قرار گرفته و رعایت می گردد. ذکر جزئیات حوادث که فواید بسیاری برای پژوهش در تاریخ اجتماعی می توان از آن برگرفت و اشاره به بعضی از جنبه های سازمان سیاسی دولت، این گونه آثار را پرفایده و مهم می سازد. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۶: ۷۶-۷۷)

شوشتری مجلس هشتم مجالس المؤمنین را بر مبنای تاریخ نگاری دودمانی به معرفی خاندان های حکومت گر و پادشاهان شیعه مذهب اختصاص داده است. در مقدمه این مجلس از کتاب سرگذشت افرادی که بعد از واقعه کربلا برای انتقام خون امام حسین (ع) بر علیه بنی امیه خروج کردند و همچنین دیگر قیام کنندگان بر علیه امویان و عباسیان بیان شده و در قسمت های دیگر، حکومت های عباسیان، ادرسیان، سادات یمن، شرفا مکّه، فاطمیان، نزاریان الموت، علویان طبرستان، آل بویه، آل حمدان، صفاریان، بنی عقیل، بنی اسد، ایلخانیان، سربداران، قراقویونلوها، آل کیا، مرعشیان، باوندیان و ملوک رست مدار و مشعشعیان معرفی شده اند. شوشتری در این بخش از کتاب به بیان زمینه های شکل گیری حکومت های فوق، معرفی حاکمان و وقایع مهم زمان آن ها و گرایش های شیعی حکومت گران معرفی شده پرداخته است.

۷. نقد تاریخ نگاری شوشتری در مجالس المؤمنین

در رابطه با امتیازات تاریخ نگاری شوشتری در مجالس المؤمنین می توان گفت: او در تألیف این کتاب از روش مبتکرانه ای استفاده نموده که خاص خود اوست؛ مجالس المؤمنین اثری دائره المعارف گونه و مشتمل بر انواع گوناگون روش های تدوین تاریخی (تاریخ شهرها، نسب شناسی، طبقات نگاری و تاریخ نگاری دودمانی) برای بیان تاریخ و فرهنگ شیعه است که پیش از او سابقه نداشته است. شوشتری اثر خویش را با روشی علمی تألیف نموده زیرا: کتاب او دارای تقسیم بندی های دقیق و منظم، رویکرد کاملاً مشخص و تعریف شده و اطلاعاتی متنوع در حوزه تاریخ تشیع است. (<http://www.manuscripts.ir> مورخ ۱۱ دی ۱۳۹۵) شوشتری به خوبی آگاه بود که هدفش از تألیف این کتاب چیست؟ بنابراین، با تعریفی مشخص از «تشیع» کار تألیف کتاب را آغاز و در ادامه اقدام به مستند نمودن تاریخ و فرهنگ شیعی نمود، بنابراین، می توان او را از مهم ترین پژوهش گران تاریخ فرهنگ و تمدن شیعه شمرد و مجالس المؤمنین را نیز از نخستین آثار در حوزه تاریخ تمدن تشیع دانست.

مهم ترین نقدی که به تاریخ نگاری قاضی در مجالس المؤمنین وارد شده این است که هرکسی با اندک گرایشی به تشیع، از سوی او شیعه خوانده شده و از این رو، غالب دانشمندان و بزرگان را به تشیع منسوب کرده است. صفا از جمله منتقدینی است که از «بستن تشیع بر افراد» (صفا، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۶۸) و «برعهده گرفتن زحمت اثبات تشیع برخی بزرگان» (صفا، ۱۳۷۸، ج ۳: ۸۰۸) توسط شوشتری سخن گفته است. صفا به عنوان نمونه از «علاء الدوله سمنانی» (صفا، ۱۳۷۸، ج ۳: ۸۰۸) و «انوری» یاد کرده که شوشتری آنان را شیعه دانسته است؛ او در مورد انوری می نویسد: از اشعار انوری مطلقاً نمی توان تشیع او را نتیجه گرفت، به علاوه با توجه سخت گیری های دوران نسبت به شیعیان، حضور آنان در دربار حاکمان زمانه بسیار بعید بوده است. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۶۸)

برخی دیگر از روایات شوشتری می تواند مؤید این نظر به شمار آید؛ به عنوان مثال او در توصیف «معاویه بن یزید بن معاویه» او را فردی نیکوسیرت و دیندار و دوستدار خاندان پیامبر (ص) معرفی می کند که خلافت را حق اهل بیت (ع) می دانست، بنابراین، مردم را به بیعت علی بن حسین (ع) دعوت نموده و گفت: تنها او استحقاق خلافت را دارد. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۲۵۲) در واقع شوشتری با این

توصیفات، معاویه بن یزید را دارای گرایش شیعی معرفی کرده است در حالی که در دیگر منابع، نمی‌توان نشانی از این گونه گرایش یافت.^۱

شوشتری در مورد آل عباس می‌نویسد: قدما و فضلاء عباسیان شیعه مذهب بوده‌اند و خلیفه و امام بحق و بلافصل بعد از پیامبر (ص) را امام علی (ع) می‌دانستند، اما به سبب این که ائمه دوران که مستحقان حقیقی خلافت بودند و همچنین علویان با بنی عباس در مقام مدافعه و مقاتله بودند، عباسیان حفظ حکومت خویش را واجب شمردند و عقاید اهل سنت را اظهار نمودند تا از شیعیان ایمن باشند و حتی برخی از آن‌ها مرتکب حبس و قتل بعضی از ائمه (ع) و ذریه پیامبر (ص) نیز شدند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۲۶۳) در این مورد باید گفت: عباسیان از علویان و مفهوم آل محمد (ص) سوء استفاده کردند تا حکومت را بدست گیرند در نتیجه، نمی‌توان آنان را شیعی دانست. (جعفریان، ۱۳۸۸: ۱۶۹-۱۶۷)

در واقع، نقدهایی چنین سبب شده تا برخی نور الله را «شیعه تراش» خوانند؛ با این حال آقا بزرگ تهرانی در دفاع از شیعه شناسی شوشتری، ضمن بیان خدمت او برای شیعه با تألیف مجالس المؤمنین، نظری مهم درباره شَمّ شیعه شناسی او ابراز می‌دارد. آقا بزرگ معتقد است:

قاضی نور الله فیلسوف عالی مقام است. او کسانی را که از نظریات فلسفی شیعه دفاع می‌کردند شیعه می‌شمرد. به نظر او کسانی که حسن و قبح را عقلی بدانند نه شرعی، و قائل به عدل و توحید اشرافی باشند نه عددی، منکر جبر و انقطاع فیض با مرگ پیغمبر (ص) باشند، ناچار به امامت قائل خواهند بود نه خلافت (منزوی، ۱۳۸۲: ۱۲۲)

جعفریان نیز ضمن اشاره به اتهام «شیعه تراش» بودن شوشتری و قبول این نکته که بسیاری از مؤلفانی که در زمینه تشیع و رجال آن نگارش کرده‌اند، مایل بوده‌اند تا بر تعداد اهل تشیع اضافه نمایند، می‌نویسد: این عمل در بسیار از موارد به عمد رخ نداده بلکه آوردن اسامی بعضی از اهل حدیث و عالمان اهل سنت در شمار عالمان شیعه به سبب بی توجهی به مفهوم واژه «شیعه» و استفاده‌های آن در سده‌های نخستین هجری بوده است. جعفریان معتقد است شَمّ شیعه شناسی امری پیچیده است زیرا در بسیاری

۱. با وجود اینکه مؤلف حبیب السیر نیز از تمایل معاویه دوم برای انتخاب امام سجاد (ع) به منصب خلافت خبر داده، اما با بررسی روایت او نیز نمی‌توان حکم به گرایش شیعی معاویه دوم نمود. خواندمیر می‌نویسد معاویه دوم پس از رسیدن به خلافت گفت که صلاحیت لازم برای این منصب را دارا نیست و نمی‌تواند از عهده تعهد این امر برآید. او ابتدا خواست نظیر ابوبکر برای خود جانشینی انتخاب کند اما چون فردی نظیر عمر را برای عهده داری این مسئولیت نیافت، قصد نمود که به شیوه عمر شورایی برای انتخاب خلیفه مشخص کند اما در این راه نیز ناکام ماند و به مردم گفت: «اکنون شما به کار خود داناترید، هرکس را خواهید بر مسند حکومت بنشانید». خواندمیر سپس می‌نویسد بر اساس روایتی معاویه دوم در آن روز اظهار کرد من شایستگی خلافت را ندارم و بهترین فرد برای این منصب علی بن حسین (ع) است. او پس از این خطبه انزوا گزید تا وقتی که وفات یافت. (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۳۱-۱۳۰)

از منابع شیعه بودن افراد ناشناخته به اشارت مورد توجه قرار گرفته و تنها نگاه تیزبین افرادی که ملاک‌های شیعه بودن را تشخیص می‌دهند، می‌تواند نسبت به شناسایی آن‌ها اقدام کند. او شوشتری را در شمار این گونه افراد تیزبین محسوب نموده و می‌نویسد: «در اصل باید او را شیخ شیعه شناس نامید نه شیعه تراش» زیرا با وجود این که احتمال خطای او در برخی موارد وجود دارد اما نگاه دقیق و تیزبین او باعث شناسایی شخصیت‌های برجسته اما ناشناخته شیعه نیز گردیده است. (جعفریان، ۱۳۷۷: ۱۲)

نتیجه‌گیری

تألیف مجالس المؤمنین توسط شوشتری او را جزو بنیان‌گذاران پژوهش هدف‌مند و علمی در تاریخ تشیع قرار داده است. شاکله تاریخ‌نگاری شوشتری در این کتاب مبتنی بر رویکرد مدافعانه از مذهب تشیع و بیان کارنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان از صدر اسلام تا روزگار مؤلف است. شوشتری بر مبنای بینش تاریخ‌نگری خویش، موضوع پژوهش و هدف خود از تاریخ‌نگاری را مشخص نموده است؛ او ابتدا، تعریفی از موضوع اساسی تاریخ‌نگاری خود (تشیع) را ارائه می‌کند و هدف خویش از تألیف مجالس المؤمنین را بیان سابقه طولانی شیعیان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اعلام می‌کند. شوشتری در این مسیر، روایات گوناگونی را انتخاب نموده و با ترکیب آن‌ها در قالب شیوه‌های گوناگون تدوین تاریخی برای بازآفرینی حقیقت مورد نظر خویش، یعنی حضور فعالانه شیعیان در ایران پیش از صفویه و رد اتهام گسترش اجباری تشیع در دوران بعد از ظهور دولت صفوی، تلاش می‌کند. شوشتری از روش ترکیبی تاریخ‌نگاری در تألیف مجالس المؤمنین استفاده کرده زیرا: او درصدد بود از راه مقایسه و استدلال، روایات مورد نظر خویش از تاریخ تشیع در ایران پیش از صفویه را برگزیند و با ترکیب آن‌ها متنی واحد را به خواننده ارائه کند. با توجه به این که محور اساسی مجالس المؤمنین ناموران شیعه هستند، شوشتری مواد تاریخی خود را بر محور موضوع تدوین کرده است زیرا: در نظام تدوین بر محور موضوعات، قوام تدوین اشخاص‌اند، بنابراین، شوشتری در شیوه تدوین تاریخی خود ناموران شیعه را در نظام‌های گوناگون تدوین و تنظیم تاریخ (طبقات، انساب، دولت‌ها و خاندان‌ها و بلاد) مطرح نموده است. به سبب استفاده شوشتری از انواع مختلف شیوه‌های تدوین تاریخی می‌توان مجالس المؤمنین را اثری دانشنامه‌ای و دائرة المعارف گونه در حوزه تاریخ تشیع محسوب نمود. امتیاز اصلی شوشتری در تاریخ‌نگاری، بینش، روش و شیوه‌های تدوین تاریخی او است زیرا: در تألیف این کتاب از روشی خلاقانه و علمی استفاده کرده که خاص اوست.

از جنبه دیگر تألیف مجالس المؤمنین توسط شوشتری نشانگر مقطعی مهم از تلاش مورخان شیعه در سیر تاریخ نگاری در تمدن اسلامی است. تاریخ نگاری یکی از بخش های مهم تمدن اسلامی است و شناخت این تمدن بدون بررسی سیر تاریخی آن میسر نخواهد گردید. تاریخ نگاری اسلامی نگارش و ثبت عملکرد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امت اسلامی است و بدون آن، درک و فهم دقیق تاریخ تمدن اسلامی ممکن نخواهد شد. مورخان مسلمان از سده های اولیه اسلامی اقدام به ثبت تحولات جهان اسلام نموده و بدین وسیله میراث گران بهایی از خویش بر جای نهاده اند. در این میان، شیعیان به عنوان یکی از جمعیت های فعال و تأثیرگذار در جهان اسلام، در ایجاد و پویایی تمدن اسلامی جایگاه برجسته ای ایفاء کرده اند. آنان همراه با دیگر مسلمانان در صحنه تدوین علوم مختلف اسلامی، که از جمله مهم ترین آنان دانش تاریخ نگاری بود، نقشی تأثیر گذار ایفاء نمودند. مجالس المؤمنین شوشتری علاوه بر این که یکی از مظاهر تاریخ نگاری شیعیان در عرصه تمدن اسلامی محسوب می شود، به سبب نشان دادن نقش شیعیان در تحولات مختلف تاریخ و تمدن اسلامی، جایگاه شیعیان در سیر تاریخ اسلام را وضوح بیشتری بخشیده است.

کتابنامه

آئینه وند، صادق (۱۳۷۷). علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

امینی، عبدالحسین (بی تا). شهیدان راه فضیلت، تهران، روزبه.

جعفریان، رسول (۱۳۷۷). «افق های تازه در تاریخ تشیع براساس کتاب معجم اعلام الشیعه محقق طباطبایی»، آئینه میراث، ش ۲، صص ۱۷-۱۰.

جعفریان، رسول (۱۳۸۸). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران، علم.

جعفریان، رسول (۱۳۹۸). «مجالس المؤمنین اثری بدیع و مبتکرانه در تاریخ تشیع»، قابل دسترسی

در: <http://www.manuscripts.ir/fa/books>

جعفریان، رسول (۱۳۹۳). منابع تاریخ اسلام، تهران، علم.

حسینی عاملی قزوینی، محمد شفیع بن بهاء الدین (۱۳۸۳). محافل المؤمنین فی ذیل مجالس المؤمنین، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.

- حکیم، سید محمد تقی (۱۳۷۸). «زندگی نامه قاضی سید نورالله مرعشی شوشتری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۹۴۳، صص ۱۷-۳۲.
- خواند میر، غیاث الدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر، تهران، خیام، ج ۲.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، تهران، نگاه، ج ۸.
- سجادی، صادق و عالم زاده، هادی (۱۳۸۶). تاریخ نگاری در اسلام، تهران، سمت.
- شوشتری، سید نورالله (۱۳۵۴). مجالس المؤمنین، تهران، اسلامیه، ج ۱ و ۲.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران، تهران، فردوس.
- عبد الجلیل قزوینی، عبد الجلیل بن آبی الحسین (۱۳۵۸). النقص معروف بعض مثالب النواصب فی نقص بعض فضائح الروافض، تصحیح جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی.
- کشمیری، محمد علی بن صادق (۱۳۰۳). نجوم السماء فی تراجم العلماء، هند، لکهنو.
- لا هوتی، بهزاد (بی تا). «بحر محیط» در دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۳۷۶). اللالی المنتظمه و الدرر الثمینه، تهران، اسلامیه.
- منزوی، علی نقی (۱۳۸۲). «الذریعه و آقابزرگ تهرانی»، کتاب ماه کلیات، ش ۶۹ و ۷۰، صص ۱۲۳-۱۱۶.
- منزوی، احمد (۱۳۸۲). فهرست واره کتاب های فارسی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳). تشیع در هند، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.